# آرمان ملی

روزنامه صبح ایران

شماره ۱۲۶۳

چهار شنبه

۱۴۰۱•۰۲•۰۷

۲۵ رمضان ۱۴۴۳

۲۷ آوریل ۲۰۲۲

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

armanmeli.ir


مقام معظم رهبری:

## امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است

هویت‌زدایی و آرمان‌زدایی دو دغدغه اصلی است که باید در قبال آنها هوشیار بود

صفحه ۲

بررسی لیست ابربدهکاران بانکی نشان می‌دهد؛

## ۱۵ سال؛ ۳۳۳ نفر دخیل در بدهی ابربدهکاران

**آرمان ملی:** بانک مرکزی در هفته‌های اخیر بر اساس تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ نسبت به انتشار فهرست ابر بدهکاران ۱۴ بانک اقدام کرده است. اقدامی که اگرچه به گفته کارشناسان بانکی گامی رو به جلو در راستای رفع چالش‌های نظام بانکی محسوب می‌شود و نشان دهنده ...

صفحه ۴

گزارش «آرمان ملی» از واکنش‌های اجتماعی به فیلمی تلخ که از رضا رویگری منتشر شد

## مردی نبود فتاده را پای زدن

امان ا... قرائی مقدم: ارزش انسان‌ها به شرایط مادی آنها باز می‌گردد و اگر فردی از عرش به فرش برسد، به راحتی وی را مورد شماتت قرار می‌دهند

**آرمان ملی:** انتشار فیلمی تلخ از رضا رویگری، با تصویری درهم و ناراحت کننده در خانه سالمندان کهریزک، آنقدر تکان‌دهنده بود که همه مردم را شوکه کرد. او از هوادارانش ...

صفحه ۹

بازهم وعده‌ای دیگر؛

## الزام استاندارد برای تست تصادف خودروها

**آرمان ملی:** کیفیت پایین قطعات خودروهای تولید داخل به ویژه در تصادفات موضوعی است که از چند ماه قبل و با تصادف بیش از ۵۰ دستگاه خودرو در جاده بهبهان و بازنشدن ایربگ هیچ کدام از این خودروها مطرح شد و مجدد در هفته گذشته و پس از تصادف وحشتناک ...

صفحه ۴

«آرمان ملی» از زندگی زیر خط فقر مسکن گزارش می‌دهد

# افزایش جمعیتِ «بمب خاموش»

● یک جامعه شناس: آمار حاشیه نشینان تا چند سال آینده به دو برابر عدد کنونی می‌رسد و باید منتظر افزایش آسیب‌های اجتماعی بود

صفحه ۹

محمدعلی اسلامی ندوشن در سن ۹۷ سالگی درگذشت

# یادگارهای گرانسنگِ اسلامی ندوشن باقی می‌ماند...

صفحه آخر

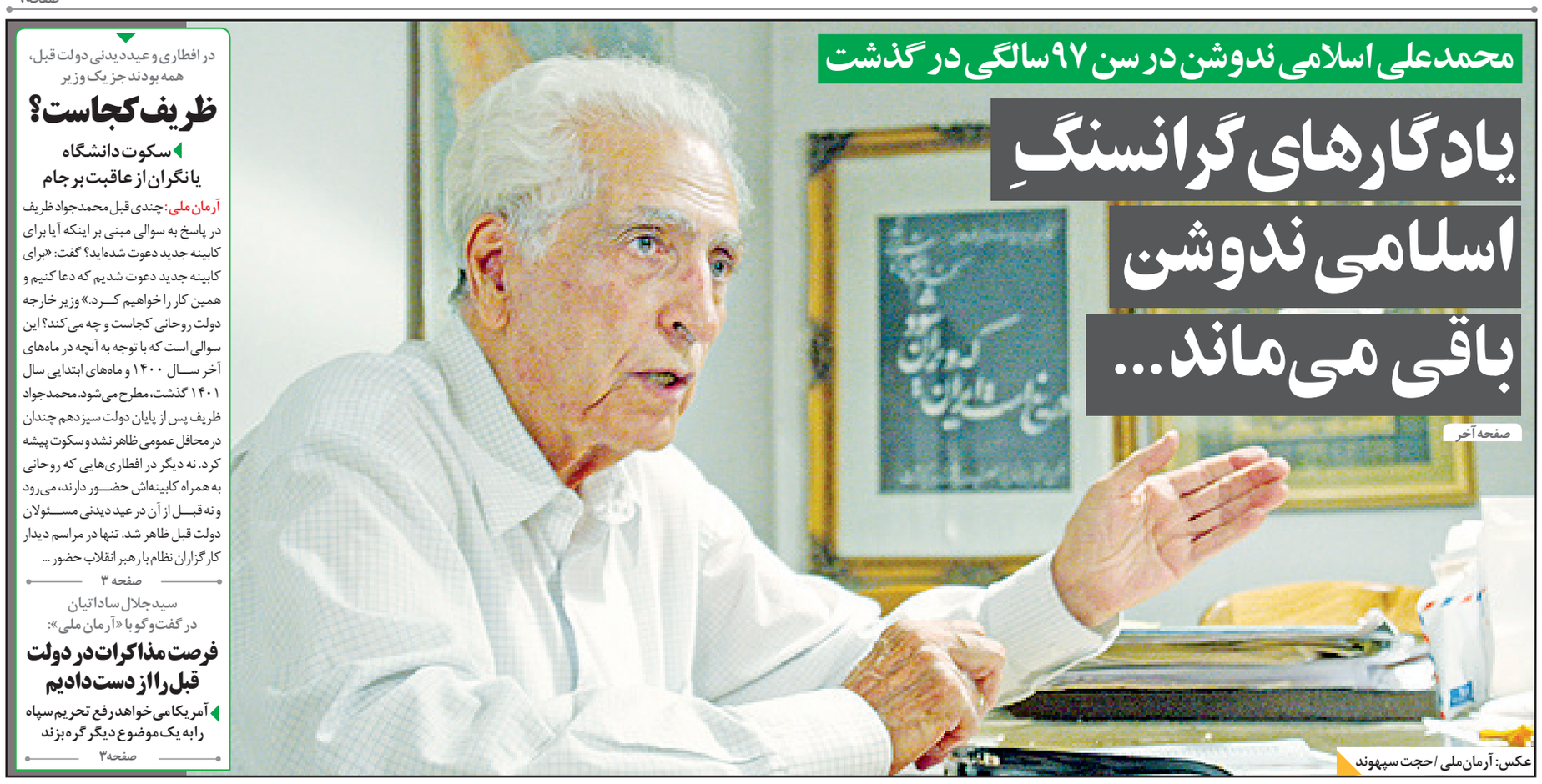

عکس: آرمان‌ملی / حجت سپهوند

در افطاری و عید دیدنی دولت قبل، همه بودند جز یک وزیر

## ظریف کجاست؟

سکوت دانشگاه یا نگران از عاقبت برجام

**آرمان ملی:** چندی قبل محمدجواد ظریف در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا برای کابینه جدید دعوت شده‌اید؟ گفت: «برای کابینه جدید دعوت شدیم که دعا کنیم و همین کار را خواهیم کرد.» وزیر خارجه دولت روحانی کجاست و چه می‌کند؟ این سوالی است که با توجه به آنچه در ماه‌های آخر سال ۱۴۰۰ و ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۱ گذشت، مطرح می‌شود. محمدجواد ظریف پس از پایان دولت سیزدهم چندان در محافل عمومی ظاهر نشد و سکوت پیشه کرد. نه دیگر در افطاری‌هایی که روحانی به همراه کابینه‌اش حضور دارند، می‌رود و نه قبل از آن در عید دیدنی مسئولان دولت قبل ظاهر شد. تنها در مراسم دیدار کارگزاران نظام با رهبر انقلاب حضور ...

صفحه ۳

سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## فرصت مذاکرات در دولت قبل را از دست دادیم

آمریکا می‌خواهد رفع تحریم سپاه را به یک موضوع دیگر گره بزند

صفحه ۳

### سخن روز

## چراغ سبز هسته‌ای روسیه

**حشمت ا... فلاحت پیشه**

نماینده ادوار مجلس

اتفاقاتی که در اوکراین افتاد یکبار دیگر نگاه‌های خوشبینانه به تحولات جهانی را به شدت مایوس ساخت. البته قبل از این شخصیتی مثل ترامپ در از بین بردن این خوشبینی‌ها خیلی نقش داشت و بهانه‌ای برای دیکتاتورهای جاه‌طلب دنیا ایجاد کرد که اوضاع را به سمت نظامی شدن پیش ببرند طوری که ما می‌بینیم بعد از مدت‌ها که شاهد کاهش ...

همین صفحه

### یادداشت ۱

## اسلامی ندوشن و معنای زندگی

**علی اکبر جعفری ندوشن**

استاد دانشگاه

دکتر اسلامی ندوشن به دیار خاموشان پیوست. شمع پرفروغ فرهنگ و ادب ایران در بستر بیماری در شهر تورنتو کانادا به خاموشی گرایید و جان و جهان فرهنگ دوستان و ادب پژوهان این سرزمین را دردناک و غمگین ساخت. اذعان می‌کنم از نیمه دهه ۷۰ تاکنون هرگاه در مراوده و هم‌صحبتی با اسلامی ندوشن از هر ...

همین صفحه

### یادداشت ۲

## خدا را به دلیل عقل می‌توان شناخت

**محمدرضا خباز**

نماینده ادوار مجلس

از کسی سوال کردند خدا را دیدی؟ گفت نه. گفتند پس چگونه به او ایمان داری؟ گفت به دلیل عقل. عقلم را به کار می‌برم، به من با آثار جلال و جمال خداوند نشان می‌دهد که خداوند وجود دارد. رئیس کل اسبق بانک مرکزی از پایه پولی در پایان سال ۱۴۰۰ که نه تنها کم نشده که بیش از ۳۱ درصد رشد داشته، سخن گفته و همچنین ...

همین صفحه

## ضرورت ورود مجلس به موضوع بیمه کارگران

**اکبر شوکت**

رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران کشور

کارگران ساختمانی همواره با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند از بیکار شدن‌های گاه و بیگاه گرفته تا سختی کار و عدم پوشش مناسب بیمه‌ای. موضوع بیمه کارگران ساختمانی از سال‌های دور همواره با چالش‌هایی در خصوص عدم تعهدهای مناسب بیمه برای خانواده کارگران ساختمانی مورد بحث و تبادل نظر بوده است. اصولاً مشکلات بیمه از روند غیراصولی ساخت و ساز در کشور نشأت می‌گیرد به این صورت که ۸۰ درصد ساخت و سازهای کشور به شکل خود مالکی است این در حالی است که ساخت و سازها در بیشتر کشورها به‌ویژه کشورهای اروپایی باید از طریق شرکت‌های ساختمان‌سازی صورت گیرد. شرکت‌های ساختمانی نیروهای «کارگران ساختمانی» ثابتی دارند که با همکاری هم صفر تا صد پروژه‌ها را انجام می‌دهند. به این شکل که اگر شرکت ساختمانی چند پروژه در دست احداث دارد کارگر آرماتوربند آن شرکت همیشه مشغول به کار است و بیکاری گریبانگیرش نمی‌شود و کارفرمای ثابتی هم برای پرداخت بیمه دارد. اما در کشور ما افرادی که وضعیت مالی خوبی دارند حتی اگر تجربه کاری و دانش لازم در زمینه ساخت و ساز را نداشته باشند در این عرصه حضور پیدا کرده و فعالیت می‌کنند و کارگرانی هم که با این افراد کار می‌کنند در پایان پروژه باید به‌دنبال صاحب‌کار و محل کار جدید باشند. متأسفانه تا قبل از قانون بیمه کارگران ساختمانی به علت نبود راهکار مشخص پرداخت حق بیمه کارفرمایی، این قشر زحمتکش از اولین حقوق یک انسان در جامعه که همان تأمین اجتماعی است، محروم بودند. اهمیت بیمه در زندگی کارگران ساختمانی زمانی نمود پیدا می‌کند که با آمار ۵۰ درصدی حوادث برای ۲میلیون کارگر ساختمانی روبه‌رو می‌شویم. طبق آمار رسمی، ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار میان ۱۸ میلیون کارگری که در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، معدن، خدمات و... مشغول به کار هستند، تقسیم شده است و متأسفانه ۵۰ درصد بعدی حوادث ناشی از کار گریبان ۲میلیون کارگر ساختمانی را گرفته است. لازم به ذکر است که نیمی از مرگ و میرهایی که در کشور رخ می‌دهد مربوط به حوادث ناشی از کار است که با درجات مختلف برای کارگران صورت می‌گیرد، از قطع عضو گرفته تا قطع نخاع، در مواردی هم که به فوت کارگران ساختمانی ختم می‌شود. برای کاهش فشارهای بی‌امان به خانواده این دسته از کارگران کشور، دولت در سال ۱۳۵۲ پیشنهادی را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد تا کارگران ساختمانی از تسهیلات بیمه برخوردار شوند به این صورت که صاحبان ساخت و سازها در کشور باید بر مبنای حداقل دستمزد روزانه به ازای هر متر مربع ساختمانی که افراد می‌ساختند هزینه‌ای را پرداخت می‌کردند تا در جهت حق بیمه سهم کارفرمایی صرف شود. بعد از آن کارگران ساختمانی فقط در قبال حوادث رخ داده در ساختمان‌هایی که دارای پروانه ساخت بودند مورد حمایت بیمه قرار می‌گرفتند و از خدمات بیمه بازنشستگی، بیمه درمان و... محروم بودند. از اوایل دهه ۸۰ موضوع ...

ادامه صفحه آخر

## خدا را به دلیل عقل می‌توان شناخت

**محمدرضا خباز**

نماینده ادوار مجلس

از کسی سوال کردند خدا را دیدی؟ گفت نه. گفتند پس چگونه به او ایمان داری؟ گفت به دلیل عقل. عقلم را به کار می‌برم، به من با آثار جلال و جمال خداوند نشان می‌دهد که خداوند وجود دارد. رئیس کل اسبق بانک مرکزی از پایه پولی در پایان سال ۱۴۰۰ که نه تنها کم نشده که بیش از ۳۱ درصد رشد داشته، سخن گفته و همچنین به تسویه تنخواه دولت که با جابه‌جایی منابع صورت گرفته و نیاز به تقدیر ندارد، اشاره داشته است. به گفته همتی البته موید روشن بودن موتور انتشار پول پرقدرت و رشد نقدینگی و دلیلی بر تداوم تورم است. آیا افزایش پایه پولی عامل اصلی تورم است؟ این را همه اقتصاددان‌ها می‌دانند و قبول دارند. حال مردم عادی اتفاقاتی که در بانک مرکزی می‌افتد را نمی‌بینند و قابل دیدن هم نیست ولی تورم را با همه وجودشان که فزاینده است را احساس می‌کنند. پس می‌توان از افزایش تورم احساس کرد که دارد اتفاقاتی می‌افتد. چون دولت درآمد اصلی خودش را در اثر تحریم‌ها ندارد و می‌خواهد کشور را هم اداره کند، دست به یکسری حرکت‌هایی می‌زند و با هماهنگی با بانک مرکزی پایه پولی افزایش پیدا می‌کند، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش پیدا می‌کند که اینها خود عامل اصلی تورم است. پس سخنانی مثل این که امشب باید نرخ‌ها به قیمت گذشته برگردد، منطقی نیست به‌عنوان مثال وقتی بیان می‌شود تا شهریور سال گذشته ۵۰ میلیون دز واکسن کرونا تولید می‌شود و نمی‌شود، نتیجه آن مرگ بیش از ۳۰، ۴۰ هزار نفر از مردم کشور عزیزمان است. یا وقتی بیان می‌شود تورم را مهار می‌کنیم و فقر مطلق را در پانزده روز آخر اسفندماه از بین می‌بریم و وارد سال ۱۴۰۱ که شویم دیگر فقر مطلق به پایان رسیده! نشان از بی‌توجهی به واقعیت موجود دارد. آنچه مسلم است و اصلا نیاز به استدلال ندارد و مردم با گوشت و پوست و استخوان خود لمس می‌کنند تورم است. تورمی که با کمال تاسف در همه ابعاد رشد غیرقابل انتظاری داشته است. امری که نشان دهنده این است که تیم اقتصادی دولت برنامه مدونی برای مهار تورم ندارد و بیشتر سخنانی که مطرح می‌شود جنبه گفتاردرمانی دارد. مدتی است که اعلام می‌کنند طلب‌های انباشه در کشورهای دیگر را به‌دست آوردیم. این درحالی است که بانک جهانی از اینکه هیچ پولی به ایران منتقل نشده، خبر می‌دهد و از طرف دیگر مدعی هستند پول نفت تلنبار شده در کشورها را تحویل گرفتیم درحالی که آثارش در داخل جامعه نیست و حقوق بازنشستگان کشوری تا روزهای آغازین سال نو پرداخت نشده بود. به نظر می‌رسد این سخنان به منظور اینکه قیمت ارز به صورت جهشی افزایش پیدا نکند، بیان می‌شود. سخنانی از این دست فقط جنبه گفتاردرمانی دارد برای اینکه قیمت ارز افزایش پیدا نکند و بتوانند ارز را زیر ۳۰ هزار تومان نگه دارند. کارهایی که مثل مُسکنی است که به بیمار تزریق می‌شود و بعد از مدتی بیمار مجددا درد را احساس می‌کند.

## چراغ سبز هسته‌ای روسیه

**حشمت ا... فلاحت پیشه**

نماینده ادوار مجلس

اتفاقاتی که در اوکراین افتاد یکبار دیگر نگاه‌های خوشبینانه به تحولات جهانی را به شدت مایوس ساخت. البته قبل از این شخصیتی مثل ترامپ در از بین بردن این خوشبینی‌ها خیلی نقش داشت و بهانه‌ای برای دیکتاتورهای جاه‌طلب دنیا ایجاد کرد که اوضاع را به سمت نظامی شدن پیش ببرند طوری که ما می‌بینیم بعد از مدت‌ها که شاهد کاهش هزینه‌ها و بودجه نظامی در کشورها بودیم، الان بودجه نظامی کشورها به شدت در حال افزایش است و مسابقه تسلیحاتی تازه‌ای شکل گرفته و فقط کارخانجات ساخت سلاح هستند که از این موضوع بهره می‌برند و پیش بینی خوشبین‌ها که دیگر کارخانجات ساخت اسلحه با کسادی روبه‌رو می‌شوند به نتیجه نرسید. علت هم این بود که از زمان فروپاشی شوروی سابق یک تعریف جدیدی از نظم بین‌المللی تحت عنوان مدیریت بین‌المللی شکل گرفت. یعنی آن چیزی که تحت عنوان هژمونی و استیلا مطرح شده بود جای خودش را به ادعای مدیریت می‌داد به طوری که قدرت‌های بزرگ مدعی شدند که در نشست‌های جهانی مثل گروه هفت، گروه بیست، سازمان جهانی تجارت و شورای امنیت سازمان ملل متحد سازوکارهایی را برای اداره دنیا شکل می‌دهند و همگان این سازوکارها را رعایت می‌کنند و مردم در دنیا می‌توانند به سمت آرامش و توسعه حرکت کنند. ولی این خوشبینی در ابتدا با جنگ‌هایی که بوش پسر به بهانه یازده سپتامبر شکل داد، ضربه اول و بعد از آن در زمان ترامپ، دومین ضربه اساسی را خورد و ضربه سوم در حمله نظامی به اوکراین. واقعیت این است که همه این موارد هم در سخنرانی‌ها و ادعاهای بسیار زیبا شکل گرفت ولی واقعیت این است که در پسِ آن جاه‌طلبی سیاستمداران و منافع شرکت‌های بزرگ ساخت تسلیحات هست که نان آنها در جنگ است. الان هم می‌بینیم که شرایطی شکل گرفت که روس‌ها در اوکراین عملا برخلاف پیش بینی هفتادو دو ساعته برای تسلیم اوکراین، به ۷۲ روز می‌رسد ولی هنوز این تسلیم صورت نگرفته بلکه این روسیه است که در راهبرد جنگ خود یک تغییر ایجاد کرده و سعی می‌کند که به سمت جداسازی بخش‌هایی از اوکراین حرکت کند. در سمت دیگر کشورهای غربی که به نظر می‌رسد این کشورها هم دلسوز مردم اوکراین نیستند یک فضایی را حفظ کردند که همزمان روسیه پوتین را در دو لبه قیچی گیر بیندازند. یک لبه که تحریم‌های سنگین و بزرگ‌ترین تحریم‌هایی است که تابه‌حال کشورهای دنیا به خودشان دیدند. لبه دوم قیچی، جنگ فرسایشی است. یعنی کشورهای غربی به سمت فرسایشی بردن جنگ حرکت می‌کنند. ما می‌بینیم تجهیزاتی که دارند به اوکراین می‌دهند، دفاعی است. یعنی تجهیزاتی که تهاجم روس‌ها را خنثی کند ولی امکان راهبرد نظامی انتحاری و تهاجمی را از اوکراین سلب می‌کند. ولی دفاع به گونه‌ای است که جنگ را فرسایشی کند. به طور طبیعی روز به روز قدرت روسیه در این جنگ و آن تحریم‌ها روز به روز تحلیل می‌رود و این چیزی است که غرب می‌خواهد. اگر در گذشته کشورهای غربی و آمریکا حاضر بودند امتیازاتی به روسیه دهند الان سعی می‌کنند که جنگ و تحریم ادامه پیدا کند و با یک روسیه ضعیف پای میز مذاکره بنشینند و حتی روسیه قدرت دوران قبل از حمله به کریمه و حمله به اوکراین را دیگر نداشته باشد و عملا به یک بازیگر متوسط تبدیل شود. در چنین شرایطی تنها ابزاری که روسیه دارد، بمب هسته‌ای است که الان می‌بینیم لاوروف مطرح می‌کند. اما این صحبت آقای لاوروف را بیشتر یک تهدید می‌دانم برای اینکه روس‌ها نشان دهند که دست کشورهای غربی را خوانده‌اند و همزمان که این موضوع را مطرح می‌کرد این جمله را هم به زبان آورد که پایان هر جنگ بالاخره مذاکره است. یعنی به هر حال یک چراغ سبزی به غربی‌ها نشان داد که زیاد مورد اعتنای غربی‌ها قرار نگرفت. ولی واقعیت قضیه این است که الان برخلاف ظاهر روسیه که سعی می‌کند خودش را مشتاق مذاکره نشان ندهند، پوتین سعی می‌کند درگیری و مذاکره را در سطح بالاتر با آمریکا و کشورهای غربی پیش ببرد و به همین دلیل به زلنسکی و مردم اوکراین بی‌اعتناست. بنابراین به همان میزان که کشورهای غربی سعی می‌کنند اوکراین را به یک همتای روسیه تبدیل کنند و شأن ابرقدرتی روسیه را به همین صورت کاهش دهند، روس‌ها سعی می‌کنند موضوع اوکراین را به عنوان یک موضوع در جامعه جهانی مطرح کنند تا شأن مذاکراتی خودشان را بالا حفظ کنند ولی واقعیت این است که مسیر تحولات به سمتی است که کشورهای غربی می‌خواهند و روسیه به عنوان کشوری که در کمین افتاد، شأن و قدرت خود را در حد یک کشور کوچک دنیا پایین آورد. برعکس اوکراین، کشور کوچکی که الان از پیشرفته‌ترین امکانات دفاعی برخوردار شده و توان تحمیل یک جنگ فرسایشی به روسیه را دارد. البته در مقابلش فقط به یکسری وعده‌های نسیه کشورهای غربی برای بازسازی کشور خودش امید بسته. فکر می‌کنم چالش هسته‌ای که توسط لاوروف مطرح شده، به نوعی آخرین بلوف سیاسی روسیه است برای اینکه طرف‌های غربی را پای میز مذاکره بنشاند. ولی معتقدم زیاد اعتنایی به این بلوف نمی‌شود چون واقعیت این است که اگر کار به کاربرد بمب هسته‌ای برسد، آن موقع عملا معنای آن از بین رفتن کل سیاره زمین است و اصلا بمب هسته‌ای یک عامل بازدارنده است و نه عامل تهاجمی و نمایشی که آمریکایی‌ها در هیروشیما و ناکازاکی داشتند، جلوی چشم تمام سیاستمداران هست که عملا از بمب هسته‌ای به عنوان یک زرادخانه دفاعی استفاده می‌شود مگر اینکه دنیا به یکباره با یک عده سیاستمدار دیوانه مواجه شود. ولی روس‌ها می‌دانند اگر جنگ ادامه پیدا کند، معنای فرسایشی شدن جنگ برگشت تحولات در روسیه علیه پوتین است و معترض شدن خود مردمان در داخل روسیه و تقویت جایگاه مخالفان. لذا به نظر می‌رسد الآن که روس‌ها موضوع جنگ هسته‌ای را مطرح کردند بیش از همیشه خودشان را به یک مذاکره دیپلماتیک نزدیک کردند منتها سعی کردند از موضع قدرت این بحث را مطرح کنند و نوع طرح بحث هم این است که بیشتر پیامشان به کشورهای غربی و آمریکاست.

## اسلامی ندوشن و معنای زندگی

**علی اکبر جعفری ندوشن**

استاد دانشگاه

دکتر اسلامی ندوشن به دیار خاموشان پیوست. شمع پرفروغ فرهنگ و ادب ایران در بستر بیماری در شهر تورنتو کانادا به خاموشی گرایید و جان و جهان فرهنگ دوستان و ادب پژوهان این سرزمین را دردناک و غمگین ساخت. اذعان می‌کنم از نیمه دهه ۷۰ تاکنون هرگاه در مراوده و هم‌صحبتی با اسلامی ندوشن از هر دری که با او سخن گفتم، او از خزانه ادبی این سرزمین، کلام روشن‌تری چاشنی کلام خود می‌کرد که پنجره‌هایی نوبه نو در ذهن و ضمیر ابرآلودم می‌گشود و بر ایمانم در بارآوری و آفرینش فرهنگی ادبیات فارسی در سپهر اندیشگی این کشور می‌افزود. در چندین نوبت او را به دیار نیاکانی خود دعوت کردم و گاهی در همسفری همسر پرمهر و شادانش شیرین بیانی، ساعاتی به هم سخنی درباره تاریخ و ادبیات این سرزمین گذراندیم. در کوچه‌های خاکی ندوشن با دیوارهای چینه‌ای و کاهگلی که به تعبیر آنها بسان مویرگ‌های تاریخ بودند. قدم زدیم و با پاره‌ای خطوط نانوشته آثارشان آشنا شدیم. ملازمت و موانست با آن رند خلوت گزیده، علاوه بر آشنایی افزون‌تری که با آثار و آرای‌اش پیش می‌آورد از خلق و خوی و مرام استوارش نیز پرده بر می‌داشت. خصائل نیکویی چون؛ وقار، آزادگی، بی‌تکلفی، زیبایی دوستی و سلامت نفس و... که به‌واسطه خویشتنداری ذاتیش در پس آثار و نوشته‌هایش کمتر هویدا می‌شد. با اینکه عمری را با قلمی نقاد گذرانده بود. اما همواره در کمال عقلانیت جانب احتیاط، اعتدال و متانت را نگه می‌داشت و می‌گفت: «دلا چنان معاش کن که گربلغزد پای... فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد.» اما صراحت و یکرنگی خود را نیز در مصاف دو رنگی‌های زمانه نمی‌باخت و نسبت به تعیّن‌های مادی اعم از جاه و مقام و شهرت همواره بی‌اعتنا می‌ماند تا مبادا شرف فرهنگ و قلم را چون برخی عالمان دنیادوست به غشی بیالاید. پایبندی به مناعت طبع و استقلال فکر ونظر، از او شخصیت منزه و محترمی به دست می‌داد که اگر چون برخی سخن سرایان معاصر گرد خود مرید نمی‌یافت، دشمنان شناعت پیشه‌ای هم روبه‌روی خود نبیند. او با حقیقت‌دوستی، اصالت‌جویی و شبه‌گریزی، همواره بی‌مایگان چندچهره را از خود دور می‌داشت ولو به طعن و حسد، مغرور و متفرعنش بخوانند. هرگز زبان و قلم به بدگویی، کینه‌توزی و تحقیر دیگران نگشود و از مجیز و مداهنه هم پرهیز داشت. به نیکی جانب انصاف و اعتدال را در داوری درباره دیگران نگه می‌داشت. در «کتابروزها» دهها نفری که در نیم قرن زندگی‌نوشت او نام و یادی یافته‌اند، از مدح و ذم بی‌پایه‌ای به دورند و حتی شرح احوال و اوصاف نزدیکانش نیز از هر گونه تعصب و تزیدی مصون مانده است. افراط و تفریط را بلای این قوم می‌دانست و توازن و تعادل را کیمیای گمشده آنان می‌شناخت. علاوه بر آثار گوناگونش که جملگی گواه این مقصودند، در روابط شخصی نیز تبسم و تاثر و تاخیر و تعجیل را در هم می‌آمیخت و همواره آرام و ملایم سخن می‌گفت و با تانی و طمانینه قدم بر می‌داشت و در توجه به جسم و روان جانب هیچ یک به نفع دیگری فرو نمی‌گذاشت و در تمشیت امور زندگی راه میانه‌ای پیش گرفته بود که عزت و قناعت را هم آغوش هم کند. روزی در جست‌وجوی معنای زندگی در آرا و آثار اسلامی ندوشن به جست‌وجو نشستم به عباراتی رسیدم که حاصل دریافت‌های بی‌آلایش اوست. از این رو نابجا ندیدم سخن آخر را با این عبارات که چکیده زندگی و دیدگاه‌های اوست، خاتمه دهم: «زندگی هم ساده و طبیعی است، و هم معماگونه. از این رو کل کتاب‌هایی که در دنیا نوشته شده است، برگرد این موضوع گشته است که: زندگی چیست و چه سرانجامی دارد؟ در سراسر گیتی که بگردید، آسمان را به همین رنگ می‌بینید. باشندگان...

ادامه صفحه آخر